

از دموکراسی تا تریاک کراسی

(صبح)



صفا و خیر مردم خواسته باشد
اگر از غم مردم کاسته باشد

کسیکه درد مردم داشته باشد
بود آنوقت مردی با نجابت

یک زمامدار خوب کیست؟

نصف روز بود، دهقان و خانواده اش برای خوردن غذای نیمه روز (چاشت) خود را آماده می کردند یکی از فرزندان احوال آورد که در نزدیکی دریا سپاه فراوانی کشور قرارگاه ساخته اند و عازم جنگ بر ضد متجاوزین هستند و گمان میکنم که شخص اول مملکت نیز در آنجا حضور دارند. سه پسر دهقان از پدر تقاضا نمودند، وقت مناسبی است که ما را به خدمت مقدس سربازی بفرستی تا ما نیز دین مادروطن را بجا آوریم، پدر از این کار پسران ناراضی بود اما به خاطر خواست مکرر و پیوسته آنان پذیرفت و رهسپار قرارگاه نظامی شدند. دوتن از فرماندهان اردو در کنار درختی ایستاده بودند که با دیدن پدر و سه پسرش پیش آمدند، فرمانده بزرگی که چهره مردانه و اخلاق بزرگ منشانه داشت، پرسید چرا به قرارگاه نظامی آمده اید؟، آیا مشکلی دارید؟. دهقان گفت فرزندانم می خواهند همچون شما شامل خدمت مقدس نظامی شوند. فرمانده گفت تا کنون چه می کردند؟. پدر جوانان گفت همراه من دهقانی می کنند. مرد بزرگ قشون نگاهی به سیمای سه برادر افکند و گفت و اگر آنان همراه ما به جنگ بیایند زمین های زراعتی ات را می توانی اداره کنی؟
دهقان گفت تا زمان بازگشت پسرانم، از دهقانی بر همه زمینها صرف نظر میکنم.

مرد بزرگ و خردمند موجود در سپاه گفت: دشمن کشور ما تنها لشکری نیست که قصد تجاوز بر میهن ما کمر بسته اند. بزرگترین و خطرناکترین دشمنی که میتوانند ما را از پا درآورد گرسنگی مردم و قحطی در سرزمین ماست، کاری که شما همین اکنون انجام میدهید به مراتب مهم تر و دشوار تر از جانفشانی در میدانهای نبرد است. آنگاه روی برگرداند و گفت مردم ما تنها پیروزی نمی خواهند، به نان و خدمات اجتماعی و خدمتگذار انسانی نیاز دارند و گرسنگان و ستم دیده گان غذا میخواهند تا شکم کودکانشان را سیر کنند، و سپس از آنان دورشد.

فرمانده دومی که ایستاده بود به دهقان و پسرانش گفت: این زمامدار کشور بود و سخنانش را ملاک قرار داده و مصروف وظیفه بزرگ تان که دهقانی است، شوید. او نیز با فشردن دستهای دهقان و پسرانش از آنان دور شد.

فرزند بزرگ با اخلاص و عقیده یک فرزند رشید به پدر پیرش گفت: پدر بی مهری های ما را ببخش تا پایان زنده گی فرزند خلف تو و سربازان اخلاصمند مردم گرسنه و ستم دیده خواهیم بود. اندیشمندی میگوید: فرمانروایان همواره سه کار مهم در برابر مردم دارند. نخست - امنیت، دوم آزادی و سوم نان.



کارهای عجیبی در حاکمیت صورت میگیرد که هر انسان با درد را مایوس و سرخورده میسازد و با گذشت هر روز هدایت دهندگان خارجی و از هدایت گیرندگان داخلی دلسرد و ناامید میگردد. در پایتخت جیاول و غارت به تمام معنی وجود دارد. در ولایات نیز زراندازی و غارتگری به شدت تمام ادامه دارد. در بعضی از ولایات در هر یکی دوماه و الیان تبدیل و در ولایات دیگر گویی و الیان قباله شرعی ولایت را در دست دارند. کرزی و هدایت دهندگان خارجی اش با چنین شیوه مردم را در خورجین عطار جای نموده است. در جایی که تفنگ و زور و دالر مسلط است و مافیای هیروئین و بنیادگرایی دست باز دارد، صحبت از وجود آزادی و دموکراسی و قانون و عدل مسخره است. و آینده نیز این پیروسه ادامه خواهد داشت. از زد و بندها، کش و گیرها، قانون شکنی ها، مصلحت خواهیها،

دوستی های زمانی، دشمنی های مقطعی، ائتلاف های نامتجانس، ناهمگونی های معین، در آغوش کشیدن های دروغی . . . چنین استنباط میشود که بازی های جدی استخباراتی و سیاسی جدید، برای اغوای مردم، سرپوش گذاشتن به مشکلات جامعه، آب گیل کردن و ماهی مراد گرفتن و مصروف ساختن ملت دربند، در پشت این همه هیاهو به شدت جریان دارد، مدعیان قدرت تصمیم گرفته اند که ملت را همچنان در فلاکت و سیه روزی نگهدارند.

بعد از سال نوزده هفتاد و نو میلادی بخشی از فعالیت های مخفی سازمان سیا ایجاد یک شبکه بنیادگرای اسلامی بود که به آن نام جهاد و جنگ بر علیه شوروی داده شد. این شبکه از طرف ایالات متحده و عربستان سعودی پشتیبانی می شد. اما بخش اعظم کمک مالی این عملیات از طریق قاچاق مواد مخدر در مثلث طلایی تامین می شد. در سال نوزده هشتاد و پنج - ریگن رییس جمهور وقت آمریکا دستورالعمل امنیت ملی شماره صد و شصت و شش را امضا کرد. بر اساس این دستورالعمل باید کمک نظامی را به "مجاهدین" هرچه بیشتر تقویت نمود تا به از همپاشی قوای شوروی و خروج آنان از افغانستان منجر شود. کمک های نظامی به شدت افزایش یافت، به طوری که در سال نوزده هشتاد و هفت میلادی سلاح های تحویلی به "مجاهدین" به شصت و پنج هزار تن رسید. در طی این مدت سیل متخصصان سیا و پنتاگون به طور پنهانی و بی وقفه راهی مرکز فرماندهی سازمان اطلاعات پاکستان (ای. اس. ای) واقع در شاهراه اصلی روآپندی شد. در همین محل کارشناسان سیا و پنتاگون برای سازمان دادن شورشگران بر علیه قوای شوروی با ماموران اطلاعاتی پاکستان دیدار می کردند.

سازمان سیا از طریق سرویس اطلاعاتی پاکستان نقش کلیدی در تربیت نظامی "مجاهدین" داشت. مدارس که توسط بنیادگرایان وهابی و پشتیبانی مالی عربستان تشکیل شده بودند تدریجاً تدریس تکنیک های جنگ های چریکی سازمان سیا را در تعالیم خود گنجانند. ایالات متحده آمریکا از دیکتاتور پاکستان جنرال ضیاالحق در تاسیس هزاران مدرسه چوچه کشی افراطی اسلامی در پاکستان پشتیبانی کرد، مدارس که از آنان "طالبان" سر برآوردند. بدینسان سازمان سیا تلاش خود را بر ترویج این اندیشه گذاشته بود که از اسلام يك ایده سیاسی اجتماعی بسازد. سازمان سیا عملیات براندازی حکومت کشور را آغاز کرده بود. اکنون روشن است که هدف واقعی واشنگتن راه اندازی جنگی داخلی در افغانستان بود، جنگی که تا اکنون یعنی سه دهه ادامه یافت.

بارنت روبین مدیر ارشد مرکز همکاری های بین المللی پوهنتون نیویارک در مصاحبه با رادیو بی بی سی گفت: پیش از همه هنوز در کابینه دولت افغانستان تعدادی از قاچقچیان عمده ی مواد مخدر وجود دارند. هنوز قاچقچیان مواد مخدر در رأس قطعات نظامی قرار دارند . . . بناً تا وقتیکه قاچقچیان مواد مخدر و قدرت را در اختیار دارند و با امریکایی ها کار میکنند هیچ کس اقدامات

امریکا را علیه نابود کردن مزارع مواد مخدر جدی نخواهد گرفت. پس از اظهارات روبین، یک روزنامه معروف امریکایی برخی از قاچاقچیان قدرتمند مواد مخدر را که در دولت افغانستان تا سطح وزیر و حتی بالاتر از آن صلاحیت و قدرت داشتند افشاء کرد.

روزنامه از عارف نورزایی وزیر سرحدات در کابینه دوره انتقالی، از غفار آخند زاده والی ولایت هلمند و از احمد ولی کرزی برادر حامد کرزی رئیس جمهور نام برد که در تجارت و قاچاق مواد مخدر دست دارند. احمد ولی کرزی شوهر خواهر عارف نورزایی وزیر قبلی سرحدات است که در سال هشتاد و یک خورشیدی هنگام محفل عروسی او به جان حامد کرزی در قندهار سوء قصد صورت گرفت اما بادیگاردان امریکایی رئیس جمهور سوء قصد کننده را از پادر آوردند.

به گزارش سازمان ملل متحد که در سوم عقرب سیزده هشتاد و سه شمسی از بخش های خبری پشتو و فارسی رادیو بی بی سی نیز منتشر گردید مقدار تولید و تریاک در افغانستان هشت برابر بیشتر از یکسال پیش بود. از عقرب سیزده هشتاد تا عقرب سیزده هشتاد و یک، سه هزار و چهار صد تن تریاک در افغانستان تولید شد. در حالیکه این رقم در سال سیزده هفتاد و نو یکصد و هشتاد تن بود. در گزارش گفته شد که افغانستان هفتاد فیصد تریاک جهان را تولید کرده است. یک سال بعد در عقرب سیزده هشتاد و دو، کشت تریاک و قاچاق تریاک و مواد مخدر باز هم گسترش و افزایش یافت. در گزارش این سال ملل متحد وانمود گردید که زرع تریاک در ولایات گسترش یافته است. در حالیکه سال قبل و سال های پیشین زرع تریاک تنها محدود به چند ولایت جنوبی و شرقی بود. سازمان ملل متحد در این گزارش، تولید و تجارت مواد مخدر را تهدید جدی برای صلح و امنیت در داخل و خارج افغانستان خواند و تذکر داد که از هر ده گرام هیروئین در جاده های بریتانیا نو گرام آن از افغانستان می آید. یک سال بعد باز هم در گزارش سازمان ملل گفته شد که کشت و تولید تریاک در مقایسه با سال قبل شصت و چهار درصد افزایش داشت. بر اساس این گزارش افغانستان بار دیگر به عنوان بزرگترین تولید کننده ی مواد مخدر در جهان شناخته شد.

همچنان در این گزارش تذکر داده می شود ده درصد مردم افغانستان که سه میلیون نفوس کشور را دربر می گیرد در کشت و تجارت مواد مخدر سهم دارند. و شصت و چهار درصد محصول ناخالص ملی افغانستان از مدرک کشت و تجارت مواد مخدر در افغانستان طی یک سال اخیر به دست آمده است به دو اعشاریه هشت میلیارد دالر بالغ میگردد. اگر این رقم دو اعشاریه هشت هزار میلیون دالری عاید مواد مخدر با بودجه ی عادی و انکشافی دولت افغانستان مورد مقایسه قرار بگیرد از این مقایسه این نگرانی و ترس ایجاد می شود که مبادا روزی مافیای مواد مخدر چرخ سیاست و اقتصاد افغانستان را بدست بگیرد. چون بودجه ی عادی دولت ما در سال سیزده هشتاد و دو شمسی بر اساس گزارش و اعلان اشرف غنی احمدزی وزیر اسبق مالیه پنجصد میلیون دالر و بودجه ی انکشافی یک

ونیم میلیارد دالر گفته شد. با آنکه مقدار پول هردو بخش بودجه ی عادی و انکشافی جمع شود باز هم پولیکه از تولید و تجارت و قاچاق مواد مخدر بدست می آید هشتصد ملیون دالر بیشتر است. البته این نکته را مورد توجه قرار باید داد که از مجموع پول مواد مخدر فقط مقدار نا چیز آنرا دهقانان و زارعین تریاک نصیب می شوند. قسمت اعظم دو اعشاریه هشت میلیارد دالر به جیب مافیای مواد مخدر می ریزد. هرگاه این ضعف و ناتوانی دولت را در تأمین بودجه های عادی و انکشافی مورد توجه قرار بدهیم که دولت تا کنون قادر به تأمین نصف بودجه عادی کشور از طریق مدارک عایداتی خود نشده است و بودجه ی انکشافی که اصلاً از کمک و وام کشورهای خارجی محاسبه می شود، آنگاه پدیده ی مواد مخدر به حیث یک پدیده ی جداً خطرناک برای سیاست و اقتصاد قانونی افغانستان نمایان می شود. اگر بصورت مشخصتر عواید دولت و عاید مواد مخدر را بدینگونه مقایسه کنیم که دولت با حصول نصف بودجه عادی خود در یکسال دوصد و پنجاه ملیون دالر عاید دارد و عاید مواد مخدر در یکسال، دوهزار و هشت ملیون دالر است، در این صورت نگرانی و ترس خطر سلطه ی مافیای مواد مخدر بر سیاست و اقتصاد آینده کشور در صورت تداوم این وضع از حدس و گمان به واقعیت مبدل می شود.

مواد مخدر یکی از منابع عمده ی بی ثباتی و ناامنی در وطن است. مواد مخدر سلاح نسل سوز و تباهی آفرین است. مواد مخدر همچون بیماری سرطان تمام ریشه ها و شاخ و برگ های نظم و قانون را در جامعه تضعیف و تخریب میکند. مواد مخدر جامعه را به فساد و تباهی میکشاند. مواد مخدر با جهل و تروریسم همراهی و هماهنگی دارد و هر یک در همکاری و حمایت متقابل قرار می گیرند. مواد مخدر - تروریسم را تقویت میکند چون مافیای تجارت و قاچاق مواد مخدر در بستر بی ثباتی و بد امنی و ضعف نظم و قانون مجال حیات و فعالیت می یابد و تروریسم با وحشت و کشتار این بستر را به مافیای مواد مخدر ایجاد میکند.

دولت افغانستان، امریکایی ها و اروپایی ها به خصوص انگلیسها که اکنون مبارزه علیه مواد مخدر را در افغانستان بدوش دارند و به گونه ای از این مبارزه صحبت مینمایند و با این معضل برخورد میکنند که در آن گنهکار اصلی دهقانان و زارعین تریاک وانمود میشوند. از این رو نقطه ی مرکزی نشانه گیری آنها در این مبارزه زارعین تریاک و مزرعه ی تریاک است.

هوا پیمایهای امریکایی از هوا بروی مزارع کوکنار سم میریزند. پولیس و نیروهای امنیتی دولت به مزارع تریاک هجوم میبرند و تخریب مزارع کوکنار از سوی آنها به تکرار و به تکرار در پرده های تلویزیون دنیا نمایش داده میشود. رئیس جمهور در بزرگترین جلسه ی که در مبارزه علیه مواد مخدر تشکیل شده بود، زرع کوکنار را مایه ی شرمساری ملی میخواند و اظهار میدارد که در ملاقات با خارجی ها وقتی برایش میگویند که افغانستان بزرگترین تولید کننده ی تریاک است از خجالت آب

میشود. او با این اظهار خجالت و شرمساری در برابر خارجیها از زارعین و کشت کنندگان تریاک با زبان التماس و تهدید میخواهد که دیگر به کشت تریاک پایان بدهند. اما در این میان آنچه که به فراموشی سپرده میشود و کمتر مورد توجه قرار میگیرد عوامل اصلی زرع و کشت تریاک، تجارت و قاچاق مواد مخدر است.

حدود یک دهه قبل که آمریکا و متحدینش لشکرکشی به افغانستان را آغاز کردند، شعارها و ادعاهای اصلی شان از این تهاجم، مقابله با تروریسم و محو مواد مخدر اعلام شد. تولید تریاک و دیگر مشتقات آن که با استقرار "طالبان" در بخش اعظم کشور یک معضله و نگرانی جدید را برای جامعه جهانی بوجود آورده بود، با تهدیدها و فشارهای سیاسی و تحریمی کشورهای بزرگ و تاثیر گذار در عرصه تصمیم گیری های بین المللی، کم کم رو به کاهش میگذارد و در اواخر عمر حاکمیت "طالبان" به کمترین میزان در دهه هشتاد هجری شمسی رسید.

اکنون افغانستان بزرگترین تولیدکننده مواد مخدر در جهان به حساب می آید. دولتمردان آمریکایی پس از حمله نظامی اعلام کردند که یکی از بزرگترین برنامه های آنها نابودی مزارع خشخاش، جلوگیری از کشت آن و ممانعت از قاچاق مواد مخدر است. حقیقت این است که دولت آمریکا پس از تصرف افغانستان نه تنها هیچ گاه قدمی جدی برای جلوگیری از کشت خشخاش و قاچاق مواد مخدر برداشت بلکه در بسیاری از موارد نیز به مافیای مواد مخدر در کشور کمک کرده است. طی بیش از نوسالی که از حمله آمریکا به افغانستان میگذرد علی رغم ادعاهای آمریکایی ها مبنی بر تلاش برای کاهش کشت خشخاش در کشور و جلوگیری از تولید مواد مخدر، آمارهای موجود از افزایش تولید مواد مخدر در کشور و قاچاق آن به سایر نقاط جهان خبر می دهد.

دفتر سیاست ملی کنترل مواد مخدر آمریکا در گزارشی اعلام کرد، اراضی زیر کشت خشخاش به میزان چشمگیری نسبت به سال گذشته افزایش یافته و به یکصد و هفتاد و هزار و شش صد هکتار رسیده است. این گزارش هم چنین می افزاید، از زمان سرنگونی "طالبان"، تولید خشخاش در کشور حدود شش برابر شده است. سفارت آمریکا در کابل همواره دولت کرزی را یکی از عوامل ناکامی مبارزه با مواد مخدر اعلام کرده است. برپایه گزارش های منتشر شده از سوی سازمان ملل متحد، میزان تولید محصول خشخاش در دوسال گذشته شش هزار و دوصد تن است و در یک سال بعد به هشت هزار و نینصد تن رسید که در تاریخ کشور سابقه نداشته است. بارنت روبن پژوهشگر آمریکایی در جلسه استماعیه کمیته روابط خارجی مجلس سنای آمریکا درباره علل ناکامی دولت افغانستان در مبارزه با مواد مخدر گفت: وقتی ما در این مورد صحبت می کنیم که چرا دولت افغانستان به اقدامات جدی علیه قاچاق مواد مخدر دست نمی زند. باید به خاطر داشته باشیم که بسیاری از این دلایل مواد مخدر توسط ایالات متحده تقویت می شوند و به بسیاری از آنها کمک شد تا دوباره قدرت را در

دست گیرند. وقتی کرزی خواست برخی از آنها را از مقام هایشان برکنار کند آنها از سوی بعضی ارگان های دولت آمریکا حمایت و درسمت های خود ابقا شدند زیرا حضور شان برای ایالات متحده مفید ارزیابی می شد. هشتاد در صد پول موادمخدر به جیب قاچاقچیان و جنک سالاران سرازیر می شود، نه دهقانانی که خشخاش کشت می کنند و در مزارع آن کار می کنند و نود فیصد از سود حاصل از تجارت مواد مخدر به خارج از افغانستان ارسال می شود.

بدون تردید یکی از دلایل افزایش کشت خشخاش و تولید مواد مخدر در افغانستان سودسرسیاری است که از بابت تولید و توزیع این مواد، عاید قاچاقچیان و سوداگران مرگ می شود که از سوی برخی از حامیان خود در ایالات متحده پشتیبانی می شوند. حال این پرسش مطرح است که آیا اقدامی که واشنگتن در افغانستان تحت شعار ریشه کنی مواد مخدر انجام می دهد واقعا مبارزه با مواد مخدر است یا تجارت مواد مخدر؟ سال گذشته کشت خشخاش در ولایت هلمند یکصد و شصت درصد رشد داشت که به رشد پنجاه فیصدی کشت خشخاش در کشور کم کرده بود. همچنان در سال گذشته شش هزار و دوصد تن خشخاش تولید کرده بود که نود و دو درصد از نیاز بازار جهانی را تامین می کند.

به گفته سازمان ملل متحد کشت مواد مخدر در افغانستان اکنون به سطح غیر قابل کنترل رسیده است. همچنان کرزی از چنین آماری ابراز تاسف کرده و از جامعه جهانی خواسته است که فعالیت های خود برای تقویت پولیس و مقابله با کشت مواد مخدر را شدت بخشد. دولت آمریکا نیز نابودی خشخاش و مقابله با کشت مواد مخدر را یکی از ابعاد مهم برنامه کمک رسانی به افغانستان دانسته است و دولت کرزی را به علت ناکامی در به چالش کشیدن و الیان جنگ سالار ولایات در مقابله با تولید تریاک مورد انتقاد شدید قرار داده است. افزایش کشت و برداشت مواد مخدر در حالی انجام می گیرد که دولت عملا بر بخش های جنوبی کنترل عمومی ندارد و گروه های نظامی مخالف، دهقانان و دلالان درکنار برخی نیروهای فاسد دولتی و پولیس تجارت موادمخدر را حرفه اصلی خود قرار داده اند. افغانستان بیشتر نیز به عنوان بزرگترین تولیدکننده تریاک در سطح جهان شناخته می شد و ۳۵ درصد از تولید ناخالص داخلی از تجارت مواد مخدر به دست می آید. بیشتر هروئین به دست آمده از خشخاش در اروپا و آسیا فروخته می شود. افزایش کشت خشخاش نیز بیشتر در پنج ولایت در جنوب و به خصوص در هلمند، قندهار و ارزگان صورت پذیرفته است یعنی همان مناطقی که به خاطر حملات مداوم "طالبان" شرایط امنیتی باثباتی نیز ندارند. سازمان ملل متحد در خصوص افزایش تولید خشخاش در عین حال تاکید می کند که بخش های جنوبی افغانستان به علت کشت و برداشت گسترده مواد مخدر و تجارت آن، تروریسم، جنایت و فساد به مکان خطرناکی تبدیل شده است. بنابر اظهارات سازمان ملل متحد ارتباطی قوی میان تشدید شورش و ناآرامی و افزایش تولید مواد مخدر در افغانستان یافته است. همچنان "طالبان" دهقانان را به افزایش کشت خشخاش در برابر حفظ امنیت و جان خود دعوت

می‌کند. "طالبان" در عین حال برای حفاظت از کاروان‌های حمل موادمخدر در مناطق مرزی، از دلایل این مواد مالیات دریافت می‌کند. از سوی دیگر گفته می‌شود که اقدامات اخیر "طالبان" در این عرصه و ترغیب دهقانان برای افزایش کشت خشخاش، به هدف برانگیختن واکنش دولت طراحی شده است.

به اعتقاد ملل متحد عدم توانایی دولت در کنترل منطقه و حضور والیان جنگ طلب، فاسد و قدرتمند در آن برمی‌گردد. با وجود آنکه دولت فعالیت‌های اندکی برای مقابله با کشت خشخاش را توسعه بخشیده است اما در راه بازداشت و ازکار برکنار کردن مقامات دولتی فاسد و تاجران مواد مخدر، موفقیت چندانی به دست نیاورده است. بنا بر گزارش سازمان ملل متحد، قرار بوده که ۳۸ هزار جریب زمین‌های زیر کشت خشخاش نابود شوند اما تنها ۱۲ هزار جریب از این زمین‌ها نابود شده‌اند. بر این اساس، اطلاعاتی که از سوی دولت در این خصوص ارائه شده، از نظر سازمان ملل متحد کاملاً اغراق شده و نادرست است. والیان ولایات مختلف اعلام کرده بودند که ۸۷ هزار جریب زمین‌های زیرکشت خشخاش را نابود کرده‌اند اما سازمان ملل متحد تنها توانسته است نابودی ۱۲ هزار جریب آن را تایید کند. سفیر آمریکا در کابل می‌گوید: با وجود تلاش‌هایی که برای جلوگیری از کشت خشخاش در افغانستان انجام گرفته است و با وجود از بین بردن ۲۰ هزار هکتار مزرعه خشخاش در سال گذشته، محصول خشخاش امسال باز هم افزایش یافته و به ارقامی بی‌سابقه رسیده است. بر اساس آمارهای مقدماتی، ۱۸۵ هزار هکتار زمین زیر کشت خشخاش رفته است که نسبت به سال گذشته ۲۰ هزار هکتار افزایش نشان می‌دهد. به گفته او، از این رقم ۸۶ هزار هکتار تنها در هلمند قرار دارد. هلمند پرخشونت‌ترین ولایت است و نیروهای ناتو در آنجا با هزاران طالب درگیر جنگ هستند. در سال گذشته، ۹۲ درصد تریاک قاچاق جهان، در افغانستان تولید شده است.

با آمدن لابراتورهای پیشرفته و وسایل ارتباطی نوین، معضل تولید و قاچاق این مواد و مبارزه با آن را در سطح جهانی شدیداً پیچیده و به یک نگرانی عمومی جهانی تبدیل کرده است. توصیف وضعیت با عبارت شدیداً پیچیده و ابراز نگرانی از آن، نقطه عطف تمامی سخنرانی‌ها و گزارش‌هایی بود که مسوولین مبارزه با مواد مخدر کشورهای منطقه و سفرای آن‌ها در هفتمین کنفرانس بین‌المللی ارایه کردند. وضعیت پیچیده موجود به‌گفته روبرتو آربیتریونماینده ملل متحد برای مبارزه با مواد مخدر، بیشتر از آنجا ناشی می‌شود که تولید خشخاش در افغانستان به بیش از هشت و نیم هزارتن رسیده و سطح کشت آن نیز فوق‌العاده افزایش یافته است.

آربیتریو این وضعیت را درپهلوی دستیابی باندهای تولید و قاچاق مواد مخدر به انکشاف‌های نوین لابراتوری که باعث شده مواد های کم‌حجم ولی پرخطرتر وارد بازار شود، عواملی می‌داند که باعث نگرانی فزاینده جهانی نسبت به اوضاع صحت عمومی بخصوص جوانان شده است. در عقب و حمایت

مواد مخدر، شرکتهای نیرومند و منافع مالی نهفته میباشد. از این نقطه نظر، کنترل جیوپلیتیک و نظامی روی خط السیر مواد مخدر، بمثابة یک عنصر استراتژیک، مانند نفت و لوله های نفت وجود دارد. با آنهم چیزیکه مواد مخدر را از امتعه قانونی متمایز میسازد، آنست که مواد مخدر، نه تنها منبع بزرگ تشکیل ثروت برای جرایم سازمان یافته میباشد، بلکه سرمایه بزرگ برای دستگاه های استخباراتی نیز پنداشته میشود که در بخش های مالی و بانکداری، بحیث بازیگر نیرومند وجود دارد.

در مارکیت بین المللی مواد مخدر و هیروئین افغانستان صد بار بیشتر نسبت به قیمتی که دهاقین بالای مزرعه خود دریافت میدارند بفروش میرسد. طبق راپور اداره ملل متحد در امور مواد مخدر و جرایم در سال دو هزار و سه، تریاک افغانستان عاید یک میلیارد دالر را برای زورمندان محلی و دهاقین و یک میلیارد و سه صد میلیون دالر را برای قاچاقبران، بوجود آورده است که این رقم معادل نیم عایدات خالص ملی میباشد. موافق به این آمار تخمینی، اداره ملل متحد، حد وسط قیمت یک کیلوگرام تریاک تازه در سال دو هزار و دو به سه صد و پنجاه دالر بالغ میگشت.

اگرچه سنجش تخمینی اداره امور مواد مخدر و جرایم ملل متحد، بر مبنای قیمت بالای مزرعه محل و عمده فروشی، ترتیب یافته است که یک بخش فیصدی بسیار کوچک دوران چندین میلیارد دالری تجارت مواد مخدر افغانی را تشکیل میدهد. اداره مذکور مجموعه دوران سالانه تجارت مواد مخدر افغانی را به سی میلیارد دالر تخمین کرده است. اداره دی پی آی امریکا تایید میدارد، هیرویین جنوب شرق آسیا (افغانستان) که در اوایل دهه نود در نیویارک بفروش میرسید بین هشتاد و پنج هزارالی یکصد و نود هزار دالر یک کیلوگرام با داشتن هفتاد و پنج فیصد خالص صورت گرفته بود.

در اثر سیاست های مداراجویانه، افغانستان به مرکز مافیای مواد مخدر مبدل میشود. این لکه ننگیست بر دامن دولت کرزی. مبارزه علیه این آفت، در حالیکه سلاطین هیروئین در پست های کلیدی لمیده اند، عوامفریبی است. وارد کردن فشار بر دهقانان بخاطر مبارزه با این پدیده ستمکاری است. باید کار را با بنیادگرایان یکطرفه کرد که عوامل اصلی کشت و تجارت مرگ به حساب میروند. نیویارک تایمز نام فقط سه تن از آنان را افشا نمود. وزیر داخله سابق (جلالی) نیز گفته بود که لیستی از هیرویین سالاران در مقامات بلندرتبه دولتی را در دست دارد.

ولی مردم میپرسند چرا نامهای این دشمنان ملی بر ملا نمیشود؟ وزیر داخله قبلی با عدم افشای لیستش، خود را به عنوان فردی معامله گروترسو ثابت نمود. در کشوری که مافیای مواد مخدر حاکمیت داشته باشد، صحبت از حقوق بشر و دموکراسی شوخی دردناکی بیش نیست. مخوف تر از سلاح کشتار جمعی، سلاحی در افغانستان تولید می شود که در قرن بیست و یک در آمد حاصل از آن بین سه صد میلیارد دالر تخمین زده می شد: تریاک و هیروئین. بزرگترین دغدغه اردو و سازمان اطلاعات پاکستان پذیرش نقش گارد ویژه قاچاق مواد مخدر برای این اردو و سازمان اطلاعاتی از

سوی امریکاست. تجارت بین‌المللی مواد مخدر که سود سالانه آن به ده ها میلیارد دالر سر می زند به اندازه تجارت نفت اهمیت پیدا می‌کند. از این لحاظ کنترل ژئوپولیتیک شبکه های مواد مخدر به همان اندازه کنترل لوله های نفت و گاز اهمیت استراتژیک دارد. از درون همین تجارت مرگ و رخوت حکومت های مرتجع مذهبی سر برآوردند و جنبش های اسلامی از درآمد حاصل از آن ارتزاق کردند. مافیای قاچاق مواد مخدر متشکل از مافیای داخلی، منطقوی و بین المللی میباشد. دولت افغانستان در سال های گذشته همانگونه که قبلاً تذکر رفت مبارزه ی مؤثر و ثمر بخشی علیه مافیای داخلی تجارت و قاچاق مواد مخدر انجام نداده و در مبارزه با مافیای منطقوی مواد مخدر که از مافیای کشورهای همسایه در تبانی با مافیای داخلی قرار داشته دارند و نیز برنامه و عملکرد مؤثر نداشته است. ایجاد یک میکانیزم درست با کشورهای همسایه بر سر مبارزه ی مشترک با مافیای تولید و قاچاق مواد مخدر میتواند پیروزی را در این مبارزه نصیب دولت بسازد. در این تردیدی نیست که مافیای مواد مخدر همانگونه که در داخل کشور از قدرت و نفوذ برخوردار هستند در کشورهای همسایه نیز این مافیا تا درون حکومت ها و مراکز قدرت ریشه و نفوذ دارند. اما موجودیت یک میکانیزم و اصول روشن توافق شده میان دولت و همسایه ها و هماهنگی صادقانه در تطبیق آن می تواند به تضعیف و سرکوبی مافیای منطقوی مواد مخدر بیانجامد.

فراموش نباید کرد که هرگونه توافق و هماهنگی منطقوی در مبارزه با تجارت و قاچاق مواد مخدر می باید جلب و حمایت و همکاری جامعه ی بین المللی را داشته باشد. و همچنانکه که میکانیزم مبارزه با مافیای داخلی و منطقوی قاچاق مواد مخدر با جامعه ی بین المللی برای درهم شکستن و نابودی مافیای بین المللی قاچاق مواد مخدر مورد توافق و عمل قرار بگیرد. چون مافیای بین المللی مواد مخدر که شبکه های آن در آسیای میانه، اروپا و امریکا گسترده است در ایجاد مافیای منطقوی و داخلی قاچاق مواد مخدر نقش اصلی دارد.

افغانستان آلوده ترین نقطه جهان از نظر کشت مواد مخدر و مناطق قبایلی پاکستان با داشتن لابراتوارهای تولیدی از شهرت جهانی برخوردارند. کارشناسان لانه گزینی گروه های تروریستی و حضور نیروی بیگانه در کشور را از جمله دلایلی می‌دانند که باعث شده تا کشور به عمده ترین کانون تولید مواد مخدر در جهان تبدیل شود. کشت و برداشت و اداره لابراتورهایی که در آن مواد مخدر تولید می‌شود، سازمانی بسیار پیچیده ی دارد که پولیس فعلی با امکانات و توانایی های پایین پرسونلی، آموزشی، فنی و لوژستیک، قادر به مبارزه تمام عیار با آن نیست. اداره سازمان های قاچاق در کشور به عهده گروه های تروریستی و باندهای مافیایی در دولت فعلی فوق العاده پیچیده و بگرنج است که امکانات در اختیارشان حتی از اردوی کنونی افغانستان بیشتر و مدرن تر است. سایه سنگین حضور و دست داشتن نیروهای خارجی باعث شده که مافیای بزرگ مواد مخدر با خاطر آرام مصروف پول پیدا کردن باشند.

سطح کشت و میزان برداشت مواد مخدر در کشور در پی حضور نیروهای بیگانه افزایش چشمگیری داشته است و آمارهای سازمان ملل نیز آن را تایید می کند، اما حاضر نیست رابطه این دو امر را با هم توضیح دهد. تغییر الگوی استعمال مواد مخدر در سطح جهانی و پیدا شدن مسیرهای تازه برای انتقال این مواد به بازارهای جهانی و رشد مصرف در کشورهای گوناگون از دیگر زمینه های نگرانی مسوولین مبارزه با مواد مخدر و برنامه ملل متحد را تشکیل میدهد. افزایش مصرف تریاک در کشورهای منطقه، موجب پیدا شدن مسیرهای تازه برای قاچاق آن و سازماندهی باندهای شده است که به همه نوع تجهیزات برای مقابله با پولیس مجهز هستند. آسیای مرکزی و روسیه از مسیرهای تازه برای انتقال مواد مخدر از افغانستان به اروپا و چین هستند.